

تداوم ارزش‌های جغرافیای طبیعی در عرصه حفاظت از میراث معماری شهر (مورد پژوهی: میراث معماری شهر تاریخی چغازنبیل)

شیما شاهرخی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

کمال‌الدین نیکنامی^۱

استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

محمدسعید ایزدی

استادیار، گروه معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۳

چکیده

توجه به تأثیرگذاری جغرافیای طبیعی بر اندیشه انسان برای خلق کالبد معماری، که ارزش‌های مکانی را شکل می‌دهند، در عرصه حفاظت از میراث معماری شهر ضروری است و باید در برنامه‌ریزی‌های شهری نیز به آن توجه شود. ضعف در شناخت و تبیین این ارزش‌ها، سبب از دست رفتن محیط طبیعی اثرگذار و یک پارچگی میراث معماری با زمینه‌اش می‌شود. از سوی دیگر، برای حفاظت از میراث معماری شهر، علاوه بر شناسایی تمامی ارزش‌های مرتبط، تداوم این ارزش‌ها در بستر زمان نیز ضروری است که تاکنون علی‌رغم تأکید پژوهش‌گران حفاظت بر اهمیت آن، به شناخت و چگونگی آن پرداخته نشده است. این پژوهش با هدف ارتقاء دانش ارزش‌گذاری و توسعه نگاه ارزش‌محور در عرصه حفاظت از میراث معماری، به دنبال احصاء ارزش‌های مکانی برای تکمیل طبقه‌بندی موجود و شناسایی مؤلفه‌های مفهوم «تداوم» برای دست یافتن به چگونگی استمرار این ارزش‌ها است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و راهبرد استدلال منطقی و به روش موردپژوهی، ابتدا با بازخوانی متون و نظریه‌های مرتبط، به تدقیق مفاهیم «ارزش‌های مکانی» و «تداوم» در میراث معماری پرداخته است و سپس با تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های «تداوم»، شاخص‌های ارزش مکانی و ابعاد احصاء آن‌ها را به عنوان یافته‌های پژوهش استخراج و برای تدوین چارچوب مفهومی به کار گرفته است. در نهایت، با تحلیل داده‌های نظری و میدانی حاصل از بررسی «شهر تاریخی چغازنبیل»، به سؤال اصلی پژوهش که «چگونه ارزش‌های مکانی میراث معماری می‌توانند در بستر زمان تداوم یابند؟» پاسخ می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط میان سه شاخص «جغرافیای طبیعی»، «اندیشه ساخت» و «کالبد ساخته‌شده»، ارزش‌های مکانی را شکل می‌دهد که می‌توان آن‌ها را در چهار بعد منظر، ساختار، عملکرد و معنا شناسایی نمود. همچنین، «تغییر» و «حفاظت» دو مؤلفه تداوم هستند که استمرار ارزش‌های مکانی و حیات میراث معماری شهر منوط به تغییر (پویایی) شاخص‌ها و حفاظت (مانایی) روابط میان آن‌ها در بستر زمان خواهد بود.

کلمات کلیدی: ارزش‌های مکانی، جغرافیای طبیعی، شهر دوراوتناش

مقدمه

در قرن بیست و یکم رویکرد حفاظت ارزش-محور به بیان دیدگاه‌های گوناگون و طبقه‌بندی‌های ارزشی متفاوت پرداخت تا جایی که موضوع نسبت‌پذیری و دگرگونی نیز در بیان ارزش‌ها اهمیت یافت، اما آنچه این پژوهش قصد دارد به آن پردازد؛ درک و دریافت ارزش‌های مرتبط با تأثیرگذاری جغرافیای طبیعی بر اندیشه انسان و کالبد اثر است. از آن‌جا که «مکان» متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی است (Relph, 1976) و مفهومی مجرد به معنای قسمتی از یک فضا که از طریق عناصری که در آن قرار دارند هویتی خاص می‌یابد (فلاح، کمالی، شهیدی، ۱۳۹۶)، محور توجه این پژوهش، تعمق در بنیان‌های طبیعی^۱ و مؤلفه‌هایی است که مفهوم مکان را شکل داده و ارزش‌های مرتبط را ایجاد کرده است. مقاله حاضر در بخش مطالعات نظری، با بررسی اسناد و رویکرد نظریه‌پردازان مختلف و با اتکا به تحلیل داده‌های به دست آمده از مبانی نظری می‌کوشد مفاهیم را تبیین و چارچوب مفهومی پژوهش را تدوین نماید تا بستر لازم برای حفاظت از تمامی ارزش‌های میراث معماری فراهم شود. سپس با کمک نتایج مطالعات نظری، تحلیل داده‌های میدانی و مشاهدات بصری به شناسایی بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری میراث معماری چغازنبیل و احصاء ارزش‌های مکانی آن می‌پردازد. در پایان، مجموعه داده‌های به دست آمده از مبانی نظری و بررسی‌های میدانی با هدف پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش مبنی بر این که «مفهوم ارزش مکانی چیست؟» و «نقش دو مؤلفه مانایی و پویایی در حفاظت از ارزش‌های مکانی میراث معماری چیست؟» طبقه‌بندی و تحلیل می‌شوند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و راهبرد استدلال منطقی و به روش موردپژوهی، ابتدا با بازخوانی متون و نظریه‌های مرتبط، به تدقیق مفاهیم «ارزش‌های مکانی» و «تداوم» در میراث معماری شهر پرداخته است و سپس با تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های «تداوم»، «شاخص‌های ارزش مکانی» و ابعاد احصاء آن‌ها را به عنوان یافته‌های پژوهش استخراج و برای تدوین چارچوب مفهومی به کار گرفته است. در نهایت، با تحلیل داده‌های نظری و میدانی حاصل از بررسی «شهر و میراث معماری چغازنبیل»، به پرسش‌های پژوهش مبنی بر این که «مفهوم ارزش مکانی چیست؟» و «نقش دو مؤلفه مانایی و پویایی در عرصه حفاظت از میراث معماری شهر چیست؟» پاسخ می‌دهد. قلمرو مکانی تحقیق، شهر تاریخی دورآنتاش و محوطه میراث معماری چغازنبیل است.

مروری بر ادبیات و پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع مقاله حاضر نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکید پژوهش‌گران حفاظت بر اهمیت تداوم حیات میراث معماری با رویکرد حفظ ارزش‌ها، پژوهشی در رابطه با ارزش‌های مکانی و چگونگی تداوم ارزش‌های میراث معماری انجام نشده است. با بررسی این منابع دو دسته‌بندی کلی قابل تشخیص است که هر یک به طور جداگانه به مفاهیم «ارزش» و «تداوم» در قلمرو حفاظت از میراث معماری پرداخته و بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند.

گروه نخست؛ پژوهش‌هایی است که به شناسایی، طبقه‌بندی و ارزیابی ارزش‌های مرتبط با میراث فرهنگی پرداخته و سیر و روند تکاملی شناخت ارزش‌ها را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها بیش از همه به طبقه‌بندی ارزش‌ها

^۱ در اینجا منظور عناصر طبیعی بنیادین و تأثیرگذار در منطقه است

پرداخته‌اند؛ «مهدی حجت»^۱ (حجت، ۱۳۸۰)، «فیلدن» و «یوکهلینو» (یوکهلینو، ۱۳۸۷) و «محمدرضا رحیم‌زاده» (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹) در پژوهش‌های خود، ارزش‌ها را بر اساس تفاوت بنیادین میان آن‌ها و تأثیر مؤلفه زمان طبقه‌بندی نموده‌اند. همچنین پژوهشگران دیگری چون «صمد سامانیان» (سامانیان، حجت و محتشم، ۱۳۹۶) و «مریم شیروانی» (شیروانی، احمدی و وطن‌دوست، ۱۳۹۵) با رویکرد ارزیابی به سیر تاریخی ارزش‌ها، انتظام زمان‌مند و عوامل مؤثر بر دگرگونی درک و دریافت آن‌ها پرداخته‌اند و در میان نظریه‌پردازان غرب، «هورلینگز» در مقاله خود برای بررسی ارزش‌ها به چگونگی درک مکان، توسعه پایدار و نقش فرهنگ در آن می‌پردازد (Horlings, 2015). در این مطالعات، پژوهش‌گران حفاظت از دیدگاه خود و با تکیه بر مبانی نظری به طبقه‌بندی ارزش‌ها و معیارهای ارزش‌گذاری آثار پرداخته و ارزش‌های متنوع و گوناگونی را شناسایی و احصاء نموده‌اند. این پژوهش‌ها در طول زمان، تحول نگرش به ارزش‌ها را به دنبال داشته و تا این زمان سبب شکل‌گیری دانش ارزش‌گذاری و گسترش شناسایی ارزش‌های متعدد شده‌اند. مقاله حاضر با رویکرد مشابه، به دنبال تبیین ارزش‌های مکانی با هدف ارتقاء دانش ارزش‌گذاری، توسعه نگاه ارزش‌محور و تکمیل طبقه‌بندی موجود از ارزش‌های شناسایی شده است.

گروه دوم؛ پژوهش‌هایی است که به موضوع تداوم با بررسی تغییرات و دگرگونی‌های میراث معماری و مکان‌های تاریخی در طول زمان پرداخته‌اند. از این منظر، پژوهش‌گران با اعتقاد بر این‌که تغییر و حرکت همواره در حال رخ دادن است، موضوع شاخص‌های هویتی میراث معماری در بستر تغییرات را بررسی کرده‌اند. به طور مثال؛ «سهند لطفی» به مجموعه تحولات و دگرگونی‌های شهر از منظر تاریخی می‌نگرد و همه روایت‌های مرمت شهری را با زنجیره‌ای به نام تداوم، پیوسته با یکدیگر می‌بیند. او نتیجه می‌گیرد که با نگرستن به ابعاد مختلف زمانی، پایایی و دگردیسی در شهر را می‌توان به طور هم‌زمان دید و این دگردیسی همواره تداوم دارد (لطفی، ۱۳۸۶). در پژوهشی دیگر شاخص‌های تداوم معنای مکان بررسی و حضور هم‌زمان دو کیفیت پویایی و ثبات در ادراک این تداوم بررسی می‌شود. «فرهنگ مظفر» هویت مکان تاریخی را در حرکتی مدام می‌داند که نمی‌تواند از ثبات و بقاء برخوردار باشد و دارای هویت «متغیر ثابت‌مدار» است. او در پژوهش خود استمرار هویت در تعریف فرآیندی‌اش را به معنای ارتباط شناخت‌پذیر هویت مکان، قبل و بعد از تغییر تعریف می‌کند (مظفر، ندیمی و صالحی، ۱۳۹۴). «علی‌الحسابی» و همکاران او در پژوهشی کیفیت‌های حاکم بر تداوم را «پویایی» و «تغییر» معرفی می‌کنند و بر این اساس شاخص‌های تداوم معنای مکان را مشخص می‌نمایند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که روابط بین اجزاء مکان نقش بیشتری در ماندگاری و تداوم ذهنی معنای مکان دارد (علی‌الحسابی، رضازاده و چربگو، ۱۳۹۶). «صبحی» نیز در پژوهش خود به تحلیل دگرگونی‌های مکان در گذر زمان و تداوم آن مکان در تعامل با انسان می‌پردازد و به انطباق دگرگونی‌های درک مکان با کسب آگاهی‌های جدید توسط انسان می‌رسد (صبحی، مسعود و مرادی چادگانی، ۱۳۹۸). تحلیل دیدگاه این پژوهش‌گران مؤید اهمیت موضوع تداوم و استمرار حیات میراث معماری با حفظ کیفیت اصیل خود در طول زمان است. پژوهش‌ها می‌کوشند وجود ارتباط بین گذشته و حال (هم از بعد کالبدی و هم

^۱ رساله دکتری مهدی حجت که در قالب کتاب با عنوان «میراث فرهنگی در ایران/سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی» در سال ۱۳۸۰ شمسی به چاپ رسیده است.

غیرکالبدی)، ارتباط قابل شناسایی قبل و بعد از مداخله، استمرار در وجوه کیفی و کمی و هم‌چنین «تغییر و ثبات» را به عنوان مؤلفه‌هایی مؤثر بر تداوم هویت اثر معرفی کنند، اما به چگونگی تداوم ارزش‌ها برای استمرار حیات میراث معماری پرداخته نشده است.

مبانی نظری

بررسی ادبیات مرتبط و نظریات پژوهش‌گران مختلف می‌تواند در شناخت و به‌کارگیری مفاهیم این پژوهش راهگشا باشد. مفاهیم «ارزش»، «مکان» و «تداوم» از مفاهیم کلیدی تحقیق حاضر برای دستیابی به هدف پژوهش است. از دهه ۸۰ میلادی به بعد «ارزش» به عنوان عاملی تأثیرگذار در سیاست‌های حفاظتی مورد توجه و امر حفاظت با رویکردی مبتنی بر ارزش مورد توجه و اقدام قرار می‌گیرد. در میان منشورها و اسناد بین‌المللی، «سند نارا»، حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی در تمام شکل‌ها و دوره‌های تاریخی را ریشه در ارزش‌های میراث می‌داند و پژوهش‌گرانی چون «حناچی» (حناچی و همکاران، ۱۳۹۲) و «رحیم‌زاده» (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹) بر اساس نظریات «براندی» ارزش‌های شناسایی‌شده را با توجه به مؤلفه‌های زمان، در سه گروه؛ مرتبط به زمان آن آفرینش اثر، مرتبط به دوران زندگی اثر و مرتبط به زمان حاضر، طبقه‌بندی کردند. پژوهش حاضر نیز با توجه به موضوع «تداوم ارزش‌ها»، طبقه‌بندی صورت گرفته بر اساس زمان را مبنا قرار داده و به آن استناد می‌کند. زیرا که واژه «ارزش» از اصلی‌ترین مفاهیم در عرصه حفاظت میراث معماری است که در طول زمان با دگرگونی بسترهای فرهنگی جوامع، دگرگون می‌شود و در جریان تغییر و دگرگونی است که بحث تداوم قابل تأمل است. واژه «مکان»^۱ نیز در منشور بورا به عنوان جایگاه، چشم‌انداز، سرزمین، بنا و مجموعه بناهایی که می‌تواند شامل اجزاء، محتویات و مناظر باشد مطرح می‌شود (Icomos, 2013). مکان از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون «رلف» نیز متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی است (Relph, 1976:56). از این منظر؛ فرهنگ، طبیعت، توپوگرافی، زمینه، اقلیم، نور، فرم و درک بصری و لمسی همه مفهوم فضا را به تجربه مکان تبدیل می‌کنند (Azizkhani, 2017:3). با استناد به این دیدگاه‌ها، کالبد معماری، هستی خود را از بنیان‌های طبیعی به عنوان بستری زاینده و از انسان به عنوان عاملی سازنده و اندیش‌مند می‌گیرد و مفهوم مکان را در عرصه حفاظت از ارتباط تأثیرگذار بنیان‌های طبیعی بر اندیشه انسان و ساختار معماری شکل می‌دهد. در مفهوم‌شناسی واژه «تداوم»^۲ که در زبان فارسی به معنای ماندگاری و جاودانگی در طول زمان است و در فرهنگ لغات انگلیسی «آکسفورد»^۳ به معنای به مدت طولانی دوام آوردن است بدون آن‌که کیفیت آن تضعیف شود، می‌توان چنین آورد که واژه «تداوم» به معنای «دوام آوردن»، با حفظ کیفیت و ثبات در ذات، قابل درک است. از آن‌جاکه دوام آوردن و استمرار، در بستر زمان مفهوم می‌یابد و زمان، حرکت و پویایی را با خود به همراه دارد، «پویایی» نیز چون «ثبات» یکی از مؤلفه‌های اصلی تبیین «تداوم» محسوب می‌شود. برخی، «ثبات» در جایگاه و روابط بین اجزاء و «پویایی» در خود اجزاء پدیده مورد نظر را در ادراک «تداوم» واجد اهمیت

¹ place

² Continuity

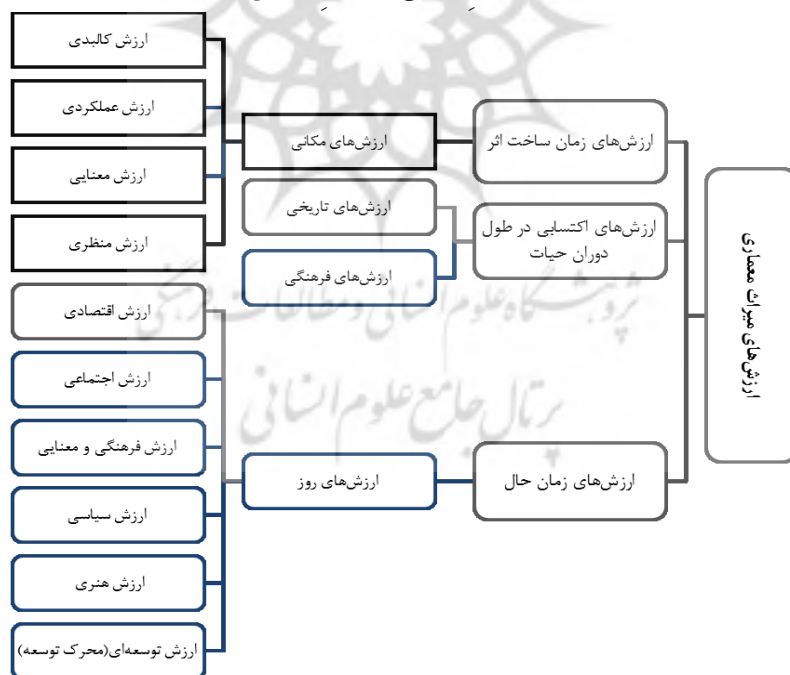
³ Oxford dictionary

می‌دانند (علی الحسائی، ۱۳۹۶: ۳۲). «بابر» نیز محصول استمرار را هویت می‌داند که به معنای خودپایداری در مسیر تغییرات است (Baper, 2018). بنابراین، تداوم یافتن، وابسته به حضور هم‌زمان «پویایی» و «ثبات» است. حال، پاسخ به این پرسش که میراث معماری در کدام اجزاء خود، پویا و در کدام بخش باید ثبات داشته باشد تا هم از کیفیت آن کاسته نشود و هم در بستر زمان و جریان زندگی زنده و پویا بماند، اهمیت فراوانی دارد.

یافته‌های حاصل از مطالعات نظری

۱- تبیین مفهوم، شاخص‌ها و ابعاد ارزش‌های مکانی

از ارتباط و اثرگذاری‌های متقابل میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده به مفهوم «مکان»؛ (فضا، انسان و کالبد) ارزش‌های مکانی شکل می‌گیرند و شاخص‌های ارزش مکانی نیز بر اساس این مؤلفه‌ها، به ترتیب؛ بنیان‌های طبیعی، اندیشه ساخت و اثر معماری خواهد بود. با توجه به شاخص‌ها و تأثیرگذاری و ارتباط میان آن‌ها، ارزش‌های مکانی در ابعاد ساختار، عملکرد، معنا و منظر قابل شناسایی خواهند بود. در تعریفی دیگر؛ تأثیر عناصر طبیعی، توپوگرافی و بستر استقرار بر کالبد اثر (در شکل‌گیری فرم و ساختار معماری، به کارگیری نوع مصالح و منظر طبیعی) و بر انسان (در انتخاب عملکرد، اندیشه اجرا و خلق معنا)، ارزش‌های مکانی را شکل می‌دهند. بدیهی است که این ارتباط و اثرگذاری متعلق به زمان خلق اثر معماری است و در طبقه‌بندی مبتنی بر زمان ارزش‌های میراث معماری، در دسته



تصویر ۱. ارزش‌های مکانی در طبقه‌بندی ارزش‌های میراث معماری بر مبنای زمان‌منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

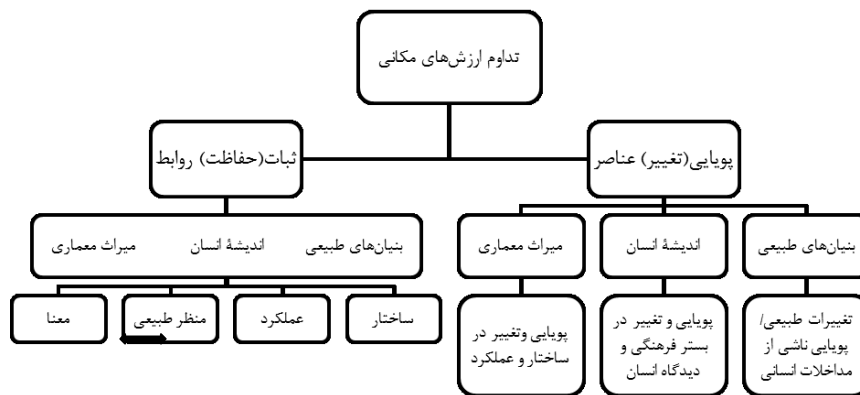
ارزش‌های مربوط به زمان آن آفرینش اثر قرار می‌گیرند. تصویر (۱) جایگاه ارزش‌های مکانی را در مقطع زمانی مشخص در میان دیگر ارزش‌های میراث معماری نشان می‌دهد.

بر اساس آنچه در پیشینه مفهوم «ارزش» واکاوی شد، در آن گروه از طبقه‌بندی ارزش‌های مرتبط با میراث معماری که بر مبنای مؤلفه زمان شکل گرفته است، ارزش‌ها در سه دسته؛ زمان ساخت اثر، طول زندگی اثر و حال حاضر

تقسیم‌بندی می‌شوند. از آن‌جا که در مسیر تحقیق مشخص شد که ارزش‌های مکانی، شکل گرفته از ارتباط میان مؤلفه‌های مفهوم مکان (بنیان‌های طبیعی، انسان و کالبد) برای خلق اثر است، این ارزش‌ها در طبقه‌بندی مبتنی بر زمان، در دسته آن آفرینش اثر قرار می‌گیرند و در ۴ بعد ساختاری، عملکردی، منظری و معنایی در میراث معماری قابل شناسایی و احصاء هستند. دیگر ارزش‌های شکل گرفته در طول دوران زندگی اثر تا زمان حاضر شامل؛ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و ارزش‌های زمان حاضر شامل ارزش‌هایی است که ارزش‌های روز نامیده شده‌اند و با نگرش نسل حاضر مواجه با اثر تعریف و احصاء می‌شوند.

۲- چارچوب مفهومی تداوم ارزش‌های مکانی در بستر زمان

مفهوم «مکان» از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان، مفهومی زمان‌مند است و از نگاه آن‌ها هیچ شیئی را نمی‌توان فارغ از درآمیختگی‌اش با زمان مورد تفسیر قرار داد (جعفری، ۱۳۸۶). «ملاصدرا» معتقد است که حرکت و زمان از عوارض خارجی ماده نیست، زیرا که حرکت در جوهر و ذات ماده زمان‌مند است (ملکشاهی، ۱۳۷۶: ۲۱). بنابراین، آنچه از واکاوی نظریات پژوهش‌گران و اندیشمندان مختلف برمی‌آید؛ تأکید بر پیوستگی مفاهیم «حرکت»، «تغییر» و «سکون» با «زمان» است و از آن‌جا که ذات ماده و اشیاء همواره در جوهر خود در حال حرکت و جنب‌وجوش است و این حرکت تغییر را به دنبال داشته و تغییر در ماده در مکانی به وقوع می‌پیوندد، مکان همواره با زمان در ارتباط است. از سوی دیگر و بنابر آنچه گذشت، پویایی و حرکت مستمر ماده در بستر زمان در نهایت به تغییر و دگرگونی مکان می‌انجامد و از آن‌جا که مفهوم «مکان» شکل گرفته از حضور سه عامل فضا، انسان و کالبد است، این دگرگونی در هر سه بستر فضایی، انسانی و کالبدی رخ خواهد داد. در بستر فضایی؛ با دگرگونی‌های طبیعی، در بستر انسانی؛ با تغییر و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و در بستر کالبدی؛ با تغییر ساختار و عملکرد روبه‌رو خواهیم بود. بنابراین، تغییر و دگرگونی کالبد در طول زمان اجتناب‌ناپذیر و متأثر از تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی زمانه و دگرگونی‌های طبیعی و اقلیمی است و وجه فضایی مکان یا به عبارتی بنیان‌های طبیعی نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های اقلیمی و فرسایشی قرار خواهند گرفت. به این ترتیب، تمامی عوامل شکل‌دهنده «مکان»؛ فضا (بنیان‌های طبیعی)، انسان و کالبد، در جایگاه ماده، در بستر زمان پویا هستند و این پویایی دگرگونی‌ها و تغییراتی برای هر ماده و در نهایت مکان متشکل از ماده به همراه خواهد داشت. بنابراین، با توجه به اصل تداوم یک پدیده که حضور پویایی (تغییر) و ثبات (حفاظت) در آن پدیده است، از یک‌سو، بقاء و استمرار حیات میراث معماری نمی‌تواند بدون حرکت و پویایی باشد و تنها در این صورت است که می‌تواند قائل به تداومی در هستی آن شد و از سوی دیگر، مانایی و ثبات در ذات اصیل اثر را می‌طلبد. بنابراین، از آن‌جا که پویایی و تغییر در میراث معماری، اندیشه انسان و بنیان‌های طبیعی (به عنوان شاخص‌های ارزش مکانی) در طول زمان اتفاق می‌افتد، مانایی و حفاظت باید در «ارتباط» میان آن‌ها رخ دهد تا تداوم و استمرار برقرار شود. در چنین شرایطی است که «پویایی» و «تغییر» در خود شاخص‌ها و عناصر و «ثبات» و «حفاظت» در روابط میان آن‌ها، متضمن استمرار حیات میراث معماری و تداوم ارزش‌های آن در بستر زمان خواهد بود. مدل مفهومی «تداوم ارزش‌های مکانی میراث معماری در بستر زمان» در تصویر (۲) ارائه شده است.



تصویر ۲. مدل مفهومی تداوم ارزش‌های مکانی در بستر زمان منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

جمع‌بندی بخش مطالعات نظری

بنابر آنچه گذشت، پیوستگی و ارتباط تأثیرگذار و متقابل میان کالبد، اندیشه انسان و جغرافیای طبیعی در زمان خلق اثر و پیدایش مفهوم مکان، «ارزش‌های مکانی» را شکل می‌دهد که بدیهی است برآمده از آن مکان و آن مقطع زمانی هستند. ارزش‌های مکانی در میراث معماری‌ای که امروز با آن مواجهه هستیم، در ساختار، عملکرد، معنا و منظر آن قابل شناسایی و احصاء است. در واقع، تأثیر عناصر و جغرافیای طبیعی (بنیان‌های طبیعی) بر اندیشه انسان را می‌توان در خلق ساختاری منطبق با بستر و محیط، ایجاد عملکردی برآمده از نیاز محیطی و فرهنگی، شکل دادن به منظر پیوسته بین اثر و عناصر طبیعی مشاهده نمود که مجموعه این هماهنگی و پیوستگی سبب خلق معنا برای میراث معماری می‌شود. حال، چگونگی تداوم این ارزش‌ها در طول زمان برای انتقال به آینده‌گان موضوع بااهمیتی است که حفاظت‌گران همواره بر آن تأکید دارند. با توجه به بررسی و تحلیل‌های نظری، تداوم یک پدیده مستلزم حضور هم‌زمان «پویایی» عناصر و «ثبات» در روابط بین آن‌ها است. بنابراین، در طول زمان، پویایی و تغییر در میراث معماری و تمامی عناصری که در شکل‌گیری آن نقش دارند اجتناب‌ناپذیر است و تنها می‌توان با حفاظت نمودن از ارتباط و پیوستگی این عناصر با یکدیگر، حیات اثر و ارزش‌های آن را تداوم بخشید. برای دقیق‌تر شدن نظریه ارائه شده و همچنین تدقیق چارچوب مفهومی پژوهش، نمونه موردی بر مبنای شاخص‌های ارزش مکانی و مؤلفه‌های تداوم، تحلیل و ارزیابی می‌شود. شهر تاریخی دوراوتاش و میراث معماری چغازنبیل به دلیل دارا بودن معیارها و شاخص‌های ارزش مکانی قابل تحلیل و ارزیابی انتخاب شده است و نه با هدف بازشناخت مجموعه و تمامی ارزش‌های مرتبط با آن، که بحثی وسیع و فضایی گسترده می‌طلبد.

بررسی نمونه موردی و یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی

همان‌طور که اشاره شد، انتخاب «میراث معماری چغازنبیل» به عنوان نمونه مطالعاتی پژوهش، با توجه به پیوند ناگسستنی آن با جغرافیای طبیعی و وجود ارزش‌های مکانی غنی در مجموعه انجام گرفته است. درک ارزش‌های مکانی شهر تاریخی دوراوتاش و معبد چغازنبیل مستلزم شناخت و فهم نظام طبیعی و جغرافیایی منطقه مورد نظر است. بنابراین، با نظر به هدفی که از بررسی نمونه موردی در این پژوهش دنبال می‌شود، ابتدا به شناخت بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر

شهر دوراوتاش و میراث معماری چغازنبیل پرداخته می‌شود. در تعیین بنیان‌های طبیعی، عواملی که توانسته‌اند نقش مهمی در شکل‌گیری و ادامه حیات این مجموعه ایفاء کنند، بررسی می‌شوند.

جغرافیای طبیعی سرزمین تمدن عیلام

«عیلام» نام تمدنی باستانی است که از حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد تا ۶۴۶ پیش از میلاد در پهنه گسترده‌ای از غرب تا جنوب غرب و جنوب ایران مستقر بوده است. درباره وجه تسمیه نام عیلام در کتاب «باستان‌شناسی عیلام» آمده است: «این نام را کاتبان سومری به سرزمین‌های بلند شرق بین‌النهرین داده بودند که با شیوه منطقی آن‌جا را سرزمین بلند می‌خواندند» (پاتس، ۱۳۸۸: ۳۲). بنابراین، در همین ابتدای امر با وجه تسمیه نام «عیلام» که از جغرافیای منطقه برآمده است، روبه‌رو هستیم. «انسان» در ارتفاعات و «شوش» در دشت‌های جلگه‌ای زاگرس که جلگه‌هایی حاصل‌خیز هستند، دو زیستگاه مهم عیلامی‌ها بودند. منطقه شوش از جمله مناطق پایداری بودند که زندگی در آن‌ها در طول زمان تداوم یافت، زیرا بر روی تاق‌دیس‌هایی (برآمدگی‌هایی) قرار داشتند که از نظر زمین‌شناسی استحکام آن‌ها را در برابر طغیان رودخانه‌های منطقه تضمین می‌کرد. هم‌چنین وجود ناودیس‌ها در میان آن‌ها که محل جریان رودخانه‌ها و جایگاه مناسبی برای رسوب‌گذاری بودند، بهترین مکان را برای کشاورزی به وجود آورده بودند. پوشش گیاهی متنوع و بیشه‌های انبوه در دوسوی رود دز و کرخه وجود داشت و نقوش روی سفالینه‌های به‌دست آمده از شوشان نشان از تنوع گیاهی و جانوری منطقه دارند. برای ساخت سفال، خشت و آجر، بیشه‌زار منبع تأمین چوب برای سوخت مورد نیاز و سواحل رود، منبع تأمین خاک مناسب بود (طالبیان، ۱۳۸۴: ۲۸۶). به این ترتیب، پایداری زمین و بلندی آن ایمنی را برای استقرار و آب رودخانه، زمین حاصل‌خیز را برای تأمین معاش عیلامیان فراهم کرد و نوع استقرار بین دشت و کوه به آن‌ها امکانات زیادی برای زندگی در طول تاریخ داد. پیوند میان جلگه حاصلخیز و قابل آبیاری و بیشه‌زارها برای تأمین چوب، از عوامل موثر در به‌وجود آمدن تمدن بزرگ عیلام و شکل‌گیری شهر دوراوتاش و معبد چغازنبیل بود. تصویر (۳) بافت جغرافیایی محدوده شهر دوراوتاش و موقعیت قرارگیری معبد چغازنبیل را نشان می‌دهد (تصویر ۳).



تصویر ۳. بافت جغرافیایی محدوده شهر تاریخی دوراوتاش و چغازنبیل (مأخذ تصویر: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل)

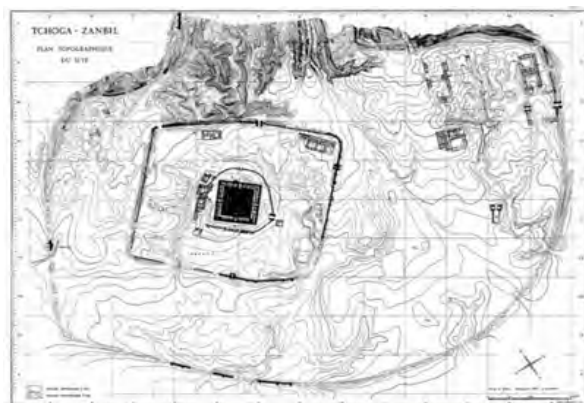
بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر ساختار شهر دوراوتناش و مجموعه معماری چغازنبیل شهر دوراوتناش در بخش کوچکی از پهنه زاگرس چین‌خورده قرار دارد که به دلیل وجود نهشته‌های نرم‌فرسا و سازندهای سخت شده دوره‌های مختلف زمین‌شناسی، ریخت‌شناسی ویژه‌ای بر آن حاکم است. پادشاه عیلام این شهر را در قرن سیزده پیش از میلاد در وسعتی حدود یکصد هکتار بنا ساخت. شهری مذهبی که شکل طبیعی منطقه و رود در شکل‌گیری فرم آن تأثیر گذاشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که معماری و شهرسازی این شهر با محاسبات دقیق و از پیش طراحی شده و مکان‌یابی آن به نحوی بوده است که بر روی بلندترین نقطه ارتفاعی (تاق‌دیس سردارآباد) این دشت آبرفتی قرار گیرد و به تمامی دشت اشراف داشته باشد (گیشمن، ۱۳۷۳). در پژوهشی که بر اساس تعیین پارامترهای لرزه‌خیزی انجام شده، این منطقه به عنوان بخشی از یک منطقه دارای لرزه‌خیزی ضعیف است (بهاروند، آرین، ترخانی، قرشی و طالبیان، ۱۳۸۹: ۱۳). فضاهای این شهر را سه حصار متحد المرکز تفکیک می‌کنند که در مرکز آنها زیگورات بزرگ چغازنبیل قرار دارد که دارای طرح مربعی شکل بوده و زوایای آن به سوی جهات اربعه است. حصارها به تبعیت از شکل زمین، بدون تقارن و در فواصل نامساوی شهر را به سه منطقه تقسیم کرده و به تبعیت از تپه‌ها خط سیر خود را شکل داده است و همچنین ضلع شمالی حصار سوم به ناهمواری سردارآباد تکیه دارد (ساکی‌پور، ۱۳۸۷: ۳۸). خشت و آجرهای به‌کار رفته در این معبد علیرغم فرسایش‌های محیطی و گذشت زمان، همچنان از استحکام و سختی خوبی برخوردار هستند که از دلایل آن وجود مقادیر کافی کانی در خاک اولیه ساخت و ترکیباتی است که به طور طبیعی به همراه رسوبات رسی رودخانه‌ای یافت می‌شوند (هادیان دهکردی، ۱۳۹۴). تصویر شماره (۴) و (۵) توپوگرافی محدوده مورد مطالعه و موقعیت قرارگیری معبد را نسبت به عناصر طبیعی پیرامون نشان می‌دهد. همچنین در تصاویر، امتداد حصار سوم در ضلع شمالی مجموعه که با تکیه بر تاق‌دیس سردارآباد شکل گرفته، قابل مشاهده است.



تصویر ۳. بافت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و موقعیت معبد و عناصر طبیعی

(مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل)

^۱ تاق‌دیس سردارآباد با طول ۱۳۷۵۰ متر و عرض ۱۵۰۰ متر و با استای شمال‌غربی-جنوب‌شرقی در جنوب‌غربی هفت تپه قرار دارد.

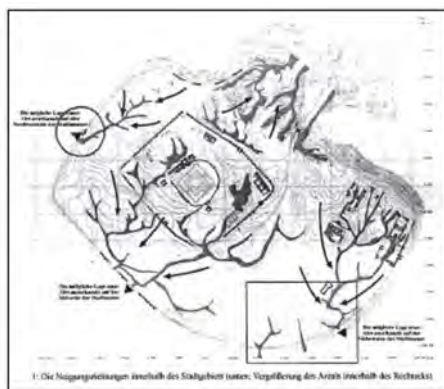


تصویر ۴. توپوگرافی شهر دوراوتناش و وضعیت استقرار معبد نسبت به تاکدیس سردارآباد (مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل)

تهدید سیل از سوی رودهای دز و کرخه، تغییرات میزان آب در فصول مختلف و بالا بودن زمین‌های کشاورزی نسبت به تراز رودخانه، سبب شد که انسان آن روزگار به فن‌آوری ساخت سازه‌های آبی برای دفع آب‌های سطحی دست پیدا کند. در واقع بستر رودخانه‌های این دشت عموماً رسوبی و سطح آب از زمین‌های اطراف پایین‌تر است و با توجه به این موضوع، تأسیسات و سازه‌هایی آبی در اطراف شهر دوراوتناش و در جوار حصارها برای هدایت آب‌های سطحی ساخته شد (پرتانی و حیدری، ۱۳۹۶). این تأسیسات شامل ناودان‌ها، چاه‌های جدبی و سازه‌های آبی است که تنها یکی از آن‌ها در ضلع شمال‌غربی حصار سوم سالم باقی مانده است. تاکدیس‌ها و بیشه‌زار با توجه به مؤهلیت قرارگیری نسبت به رودخانه و ساختار شهر، نقش تعیین‌کننده و مؤثری در جلوگیری از وقوع سیل و آسیب‌های احتمالی به ساختار شهر و معماری آن داشته‌اند.



تصویر ۵. سازه آبی واقع در ضلع شمال‌غربی معبد چغازنبیل منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰



تصویر ۶. مؤهلیت سازه‌های آبی (زهکش‌ها) حصار سوم در ضلع شمال‌شرقی (علامت مستطیل) و شمال‌غربی (علامت دایره) چغازنبیل (مأخذ: مفیدی، ۱۳۷۸: ۲۶)



تصویر ۷. موقعیت قرارگیری سازه آبی حصار سوم واقع در ضلع شمال‌غربی نسبت به معبد چغازنبیل (مأخذ: نگارندگان)

بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر آئین و مذهب در مجموعه

در جوامع باستانی معابد نقش بسیار مهمی داشتند و همواره بلندترین و مرتفع‌ترین بناها بودند و در نقاط پایدار ساخته می‌شدند. تفکر جایگاه خدایان بودن کوه‌های مقدس همواره در سراسر جهان باستان وجود داشت. همچنین، عیلامی‌ها سرزمین خود را «هاتمی» خوانده‌اند که این کلمه از دو قسمت «ها» به معنی سرزمین و «تمتی» به معنی مقدس یا خدایان تشکیل گردیده و در مجموع به معنی سرزمین مقدس یا سرزمین خدایان است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۴). معبد اصلی شهر که همان زیگورات (برج مطبق) شهر است، برای پرستش دو خدای اینشوشینک (مهم‌ترین خدای ساکنین دشت خوزستان) و نپیریشا (مهم‌ترین خدای ساکنین ارتفاعات) ساخته شده است. انتخاب مکانی پایدار و هماهنگ با جغرافیای طبیعی، سبب شده است که برخی از باستان‌شناسان هدف اونتاش ناپیریشا در ساخت این شهر و معبد را انتقال دائمی مرکز مذهبی از بین النهرین به عیلام، آزادسازی مردم عیلام از وابستگی به خدایان جنوب بین النهرین و تبلیغات پایدار برای ایدئولوژی‌های سیاسی مذهبی بدانند (Afkhami, 2019). بر برخی از آجرهای زیگورات چغازنبیل، حک شده است: «من اونتاش ناپیریشا، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش به خدای ناهونته (خدای خورشید) نماز گزاردم. آن را در مکان مقدس قرار دادم (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۶). معماری معابد و رابطه آن با طبیعت، از جمله رویکرد طبیعت‌گرایانه با نگاه مقدس به معبد است. محل معابد در بسیاری از ادیان بر اساس موقعیت جغرافیایی تعیین شده است و خصوصیات فضای مقدس بر اساس ویژگی‌های طبیعی و همچنین در رابطه با برخی از عناصر مانند آب، کوه و خورشید انتخاب شده است (Afkhami, 2019: 9). بنابراین، «عیلام» به معنای سرزمین

مرتفع و «هاتمی» به معنای سرزمین مقدس و شهر دوراوتاش به عنوان یک شهر مذهبی دربرگیرنده عناصر طبیعی مقدسی چون کوه، بیشه‌زار، رود و دشت، گویای مفاهیم ذهنی، معنایی و اعتقادی انسان آن روزگار است. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر منظر طبیعی

رودخانه دز در محدوده مورد نظر در اثر برخورد با موانع تغییر مسیر داده و وجود برکه‌های هلالی با نهشته‌های سیلابی حاشیه آنها خاک‌های زراعی مرغوبی را تشکیل داده (ساکی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵) و سبب ایجاد بیشه‌زارها و جنگل‌های طبیعی در سطح نسبتاً وسیعی شده بود. جنگل‌های دز و کرخه بازمانده جنگل‌های وسیعی هستند که در گذشته تا بین‌النهرین نیز امتداد داشته‌اند اما به مرور زمان و بر اثر عوامل طبیعی و غیر طبیعی از دست رفته‌اند. امروز، منظر طبیعی پیوسته با میراث معماری چغازنبیل؛ رود، بیشه‌زار، دشت، تپه‌ها و ارتفاعات به‌جامانده از گذشته است. تصویر (۸) وضعیت ژئومورفولوژی و بنیان‌های طبیعی شهر دوراوتاش و میراث معماری چغازنبیل را نشان می‌دهد.



تصویر ۸. موقعیت بنیان‌های طبیعی و مجموعه میراث معماری چغازنبیل، مأخذ: پایگاه اینترنتی میراث جهانی چغازنبیل

جمع‌بندی بخش مطالعات میدانی

با توجه به آنچه پیش از این آورده شد، بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ساختار مجموعه میراث معماری چغازنبیل مشخص و به شرح زیر آورده شده است:

الف - تپه‌ماهورها و تاق‌دیس سردارآباد؛ واقع در حدفاصل رودخانه دز و شهر دوراوتاش که ۱- به‌مانند سدی طبیعی مانعی برای وقوع سیلاب‌های ویران‌کننده عمل می‌کند. ۲- بلندترین نقطه ارتفاعی را برای شکل‌گیری شهر و مجموعه معماری فراهم آورده و با امکان اشراف کامل به دشت و نقاط پایین‌دست ایجاد امنیت کرده است. ۳- قرارگیری بر روی آن و اتکاء به آن، استحکام بستر استقرار و کالبد اثر را تضمین کرده و به عنوان بخشی از یک منطقه دارای لرزه‌خیزی ضعیف محسوب می‌شود. ۴- به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار طبیعت بر مذاهب و آئین‌های باستانی (ارتفاعات؛ نماد جایگاه بلند خدایان)، در شکل‌دهی به ساختار کالبدی و معماری معبد نقش مهمی داشته

است. ۵- قرار دادن شهر در تراز ارتفاعی بالاتر، سبب ایجاد مهارتی برای تعامل با طبیعت و دفع آب‌های سطحی با ساخت تأسیسات شهری شده است. ۶- ساختار شهر و حصارها به تبعیت از توپوگرافی و تاقدیس شکل گرفته است.

ب- رودخانه دز؛ واقع در ضلع شمالی شهر تاریخی و مجموعه چغازنبیل که ۱- به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار طبیعت بر مذاهب و آئین‌های باستانی، مفاهیم مذهبی و آئینی یک شهر مقدس را عینیت و معنا بخشیده است. ۲- به دلیل ترکیبات موجود در رسوبات رسی، سبب ساخت و تولید آجرها و خشت‌های مقاوم‌تر با مقادیر کافی کانی در خاک شده است. ۳- بیشه‌زارها و جنگل را به عنوان منبع تأمین چوب و سوخت لازم برای تولید سفال، خشت و آجر به وجود آورده است.

ج- بیشه‌زار؛ پیرامون رودخانه دز شکل گرفته و ۱- ارتباط معنایی شهر مقدس با طبیعت ۲- نقش مؤثر در جلوگیری از وقوع سیل و رفع تهدید آن برای ساختار معماری شهر

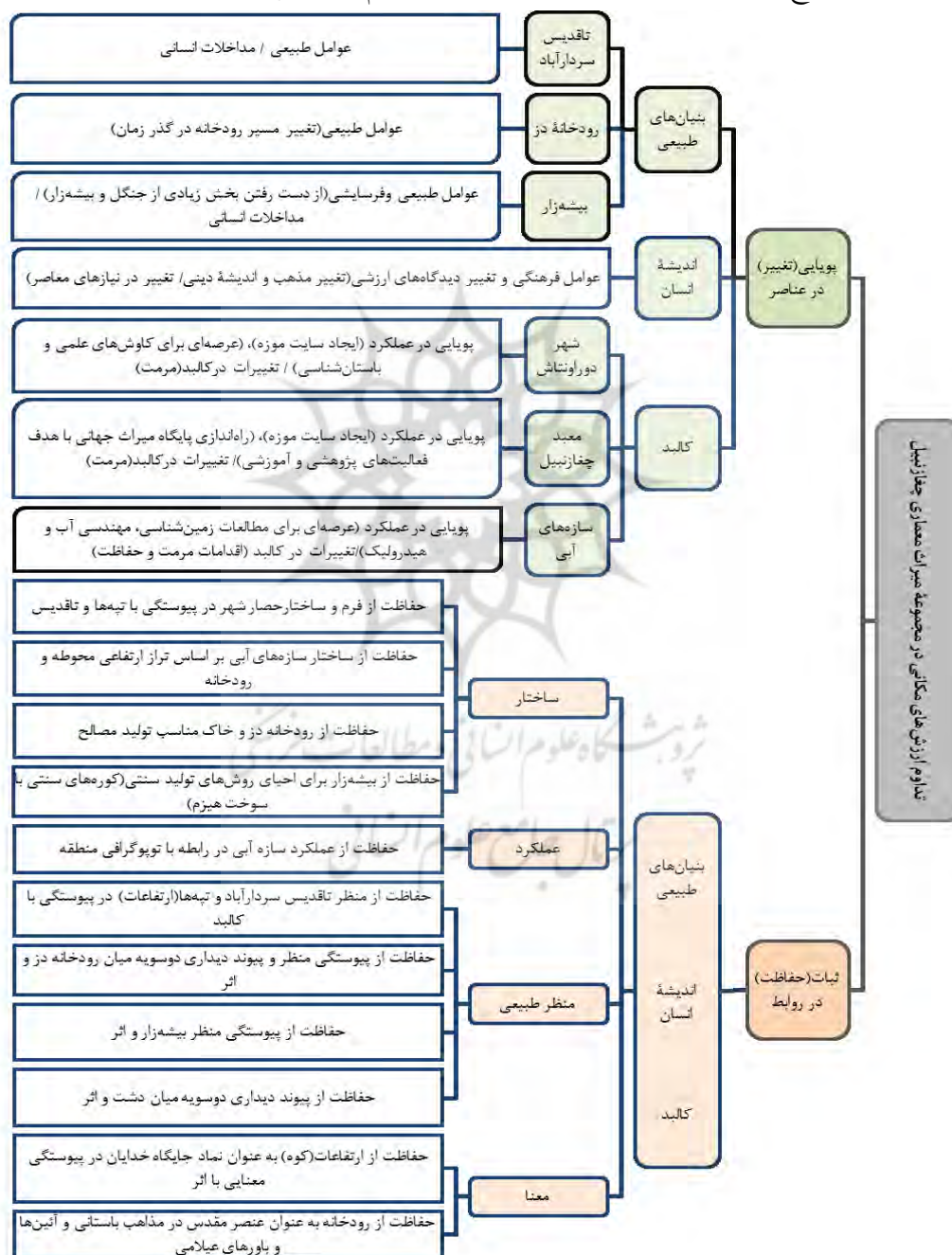
تحلیل یافته‌ها با بررسی ابعاد ارتباطی شاخص‌ها و ابعاد احصاء ارزش‌های مکانی

بر اساس مطالعات صورت گرفته، از آن‌جاکه بنیان‌های طبیعی یکی از شاخص‌های ارزش مکانی محسوب می‌شوند و ارتباط میان شاخص‌ها، ارزش‌های مکانی را خلق می‌کنند، با شناخت روابط میان بنیان‌های طبیعی منطقه چغازنبیل با شهر و مجموعه معماری و تحلیل این روابط، اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر در ابعاد مختلف مشخص شد. با توجه به نتایج این بررسی، می‌توان شاخص‌های ارزش مکانی مجموعه چغازنبیل را بر پایه بنیان‌های طبیعی در ۳ گروه؛ تاقدیس سردارآباد، رودخانه دز و بیشه‌زار، بر پایه معماری در ۳ گروه؛ شهر دوراوتناش، مجموعه معماری چغازنبیل و سازه‌های آبی و بر پایه حضور انسان، در اندیشه ساخت، خلاقیت و مهارت در تعامل با طبیعت مشخص نمود.

تداوم ارزش‌های مکانی در شهر تاریخی دوراوتناش و میراث معماری چغازنبیل

آن‌چه پیشتر بررسی شد، روابط میان شاخص‌های ارزش مکانی در شهر تاریخی دوراوتناش و مجموعه چغازنبیل و تأثیر چندسویه آن‌ها بر یکدیگر است. با شناخت این روابط، حفاظت از ارزش‌های مکانی همراه با پذیرش تغییرات اجتناب‌ناپذیر شاخص‌ها و عناصر در گذر زمان، ممکن و تداوم را به همراه خواهد داشت. در نتیجه، با مشخص شدن روابط و نوع تأثیرگذاری متقابل شاخص‌ها، ضروری است که تغییرات و پویایی آن‌ها در بستر زمان نیز بررسی و شناخته شود. واضح است آن گروه از تغییرات ناشی از فرسایش طبیعی در طول عمر اثر مانند؛ تغییرات طبیعی و فرسایشی دشت، تاقدیس و تپه‌ها، بیشه‌زار و رودخانه اجتناب‌ناپذیر است. اما تغییرات عناصر، در نتیجه مواجهه نیازها، فرهنگ و دیدگاه امروز با میراث معماری و تغییرات ناشی از تصمیمات و توسعه‌های انسانی، در صورتی که خدش‌های به روابط میان آن‌ها وارد نماید، در زنجیره تداوم قرار نمی‌گیرد و مؤلفه تأثیرگذار آن نخواهد بود. به طور مثال؛ تسطیح تاقدیس‌ها و تپه‌های منطقه در سال‌های اخیر به منظور دست‌یابی به زمین مسطح برای ساخت‌وساز و توسعه از جمله تغییراتی است که از تغییر دیدگاه‌ها و نگرش انسان‌های امروزی و درک و دریافت متفاوت آن‌ها از ارزش‌های میراث معماری حاصل شده است. این تغییرات به رابطه میان این عنصر طبیعی و کالبد که حاصل آن خلق

ارزش‌های مکانی‌ای چون؛ استحکام بستر، تراز ارتفاعی متفاوت، ساخت سازه‌های آبی و منظر طبیعی اثر است، آسیب می‌رساند. اما از سویی دیگر، تغییرات ناشی از فرسایش طبیعی شهر دوراوتناش و میراث معماری چغازنبیل و پویایی کالبد و عملکرد آن(مرمت سازه و ایجاد سایت موزه) در مواجهه با اندیشه‌های نو و تغییر نیازهای انسان، از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تداوم هستند. تصویر ۹ چگونگی «تداوم ارزش‌های مکانی مجموعه میراث معماری چغازنبیل» را بر اساس شاخص‌ها، نوع اثرگذاری و نسبت آن‌ها با مؤلفه‌های تداوم نشان می‌دهد.



تصویر ۹. چارچوب مفهومی تداوم ارزش‌های مکانی در شهر دوراوتناش و میراث معماری چغازنبیل. منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مروری بر نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، بیانگر آن است که پیوستگی و ارتباط تأثیرگذار و متقابل میان شاخص‌های جغرافیای طبیعی، اندیشه انسان و کالبد، «ارزش‌های مکانی» را خلق می‌کند و بدیهی است که این ارزش‌ها برآمده از آن مکان و آن مقطع زمانی هستند. توجه به شاخص‌ها و ارتباط میان آن‌ها، یعنی؛ تأثیر جغرافیای طبیعی (عناصر طبیعی، اقلیم، توپوگرافی و بستر استقرار) بر کالبد، در شکل‌گیری فرم و ساختار معماری، به‌کارگیری نوع مصالح و منظر طبیعی اثر و بر انسان، در انتخاب عملکرد، اندیشه طراحی، اندیشه اجرا و خلق معنا، ارزش‌های مکانی را در ابعاد ساختار، عملکرد، معنا و منظر قابل شناسایی و احصاء خواهد کرد. نقش ارزش‌های مکانی در شکل‌گیری و خلق اثر، جایگاه آن‌ها را در طبقه‌بندی ارزش‌های میراث معماری، در گروه ارزش‌های متعلق به «زمان آفرینش اثر» قرار می‌دهد و نتیجه آن، توسعه نگاه ارزش‌محور در عرصه حفاظت از میراث معماری را به‌دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر برای پاسخ دادن به چگونگی «تداوم ارزش‌ها» در این عرصه، نیازمند بررسی و شناخت اصل «تداوم» هستیم. بر پایه مطالعات نظری، مفهوم تداوم دارای دو مؤلفه «پویایی در اجزاء» و «ثبات در روابط» است که تداوم یک پدیده را وابسته به حضور هم‌زمان آن دو مؤلفه می‌کند. از آن‌جاکه پویایی و تغییر در کالبد میراث معماری، اندیشه انسان و بنیان‌های طبیعی (به عنوان شاخص‌های ارزش مکانی) در طول زمان اتفاق می‌افتد و اجتناب‌ناپذیر است، ثبات و حفاظت باید در «ارتباط» میان آن‌ها رخ دهد تا تداوم و استمرار برقرار شود. نتایج بررسی اسنادی و مشاهدات میدانی در مجموعه میراث معماری چغازنبیل، به عنوان نمونه موردی پژوهش، که پیوندی عمیق با جغرافیای طبیعی و ارزش‌های مکانی غنی دارد، نشان می‌دهد که شاخص‌های ارزش مکانی بر پایه بنیان‌های طبیعی؛ در ۳ گروه؛ تقادیس سردارآباد، رودخانه دز و بیشه‌زار، بر پایه معماری؛ در ۳ گروه؛ شهر دوراوتناش، معماری معبد چغازنبیل و سازه‌های آبی و بر پایه حضور انسان؛ در اندیشه ساخت، خلاقیت و مهارت تعامل با طبیعت است. تأثیر بنیان‌های طبیعی منطقه بر اندیشه انسان؛ در شکل‌گیری معنا، عینیت بخشیدن به ایدئولوژی و خلاقیت ساخت و بر کالبد؛ در ساختار و عملکرد شهر، معبد، سازه‌های آبی و پیوستگی اثر با منظر طبیعی منطقه است و همان‌طور که پیشتر گفته شد، این اثرگذاری‌های چندسویه متقابل، در ابعاد معنایی، ساختاری، عملکردی و منظری اثر قابل شناسایی هستند. به عبارت دیگر، اثرگذاری‌های متقابل میان بنیان‌های طبیعی و شهر دوراوتناش (ارزش‌های مکانی) را می‌توان در طراحی زیگورات با الهام از ارتفاعات (به عنوان نماد و جایگاه خدایان عیلامی)، پیوند دادن کالبد با چشم‌انداز دشت، بیشه‌زار و رودخانه (به عنوان عناصر مقدس طبیعت)، بهره‌گیری از ارتفاعات طبیعی برای اشراف به دشت، شکل‌دادن به ساختار حصار شهر و دست‌یافتن به مهارت ساخت سازه‌های آبی، دفع آب‌های سطحی و در خدمت گرفتن طبیعت برای تولید مصالح مشاهده نمود. در نتیجه، حفاظت از رابطه میان بنیان‌های طبیعی، اندیشه ساخت و میراث معماری چغازنبیل (ارزش‌های مکانی)، حفاظت از؛ ساختار حصار شهر در پیوستگی با تقادیس و تپه‌ماهورها، ساختار و عملکرد سازه‌های آبی در تراز ارتفاعی محوطه و رودخانه، بستر رودخانه دز و خاک مناسب تولید مصالح، بیشه‌زار و روش‌های تولید با کوره‌های سنتی، پیوستگی منظر طبیعی معبد چغازنبیل و هم‌چنین

حفاظت از کوه و رودخانه(آب) در پیوستگی معنایی با شهر دورانتاش است. از سویی دیگر، برای تداوم بخشیدن به این ارزش‌ها به پویایی اثر در زمانه معاصر نیز باید توجه شود. مؤلفه پویایی در مجموعه معماری چغازنبیل با مرمت سازه و تغییر در عملکرد آن به عنوان یک سایت موزه، راه‌اندازی پایگاه جهانی آموزش و پژوهش و عرصه‌ای برای کاوش‌های علمی و بین‌المللی باستان‌شناسی به کارگرفته شده است. پویایی شاخص‌ها و عناصر، از آن‌جا که ناشی از مداخلات و توسعه‌های انسانی است، در صورتی که به روابط میان شاخص‌ها آسیبی وارد نکند و به حفاظت آن‌ها بی‌انجامد، می‌تواند تداوم ارزش‌ها و در نهایت تداوم حیات مجموعه میراث معماری چغازنبیل را به دنبال داشته باشد. در یک جمع‌بندی ساده‌تر می‌توان چنین آورد که؛ خوانش ارزش‌های مکانی، در جایگاه ارزش‌های زمان ساخت اثر و کاربست آن‌ها در عرصه حفاظت از میراث معماری یک ضرورت و حضور مؤلفه‌های «پویایی»(تغییر) در عناصر و «ثبات»(حفاظت) روابط میان عناصر برای تداوم حیات میراث معماری و ارزش‌های آن یک اصل غیرقابل انکار است و تنها در این شرایط است که میراث معماری می‌تواند با حفظ تمامیت ارزش‌ها و با برقراری تعادل میان حفاظت و تغییر به حیات خود ادامه داده و تداوم یابد.

منابع

- برومر، وینسنت. (۱۳۸۰). سنت، تغییر و حفظ هویت. (ترجمه سیدمصطفی شهرآئینی)، هفت آسمان، ۳(۱۳ و ۱۲)، ۵۰-۲۹.
- بهاروند، ندا. آرین، مهرا. ترخانی، محمدسالار. قرشی، منوچهر. طالبیان، محمدحسن. (۱۳۸۸). بررسی زمین ساخت فعال در تاق‌دیس سردارآباد و اثر آن بر معبد چغازنبیل. زمین. ۵ (۲)، ۱-۱۴.
- پاتس، دانیل توماس. (۱۳۸۸). باستان‌شناسی ایلام. (ترجمه: زهرا باستی). تهران: سمت.
- پرتانی، صادق. حیدری، وحید. (۱۳۹۶). مطالعه کارکرد سازه آبی حصار سوم محوطه باستانی چغازنبیل با مطالعه میدانی و مدل‌سازی هیدرولیکی-هیدرولوژیکی. مطالعات معماری. ۶ (۱۱)، ۲۲-۵.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۶). حرکت و تحول از دیدگاه قرآن. چاپ سوم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حناچی، پیروز. آذری، عباس. کلایه، سعید محمود. (۱۳۹۲). مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با «استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»(نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۱۲)، ۳۷-۴۴.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۶). میراث فرهنگی در ایران: سیاستها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی خاتمی، محمود. (۱۳۸۶). جستارهای صدرایی، (ترجمه مسعود سیف و دیگران). تهران: علم.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۳). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیمزاده، محمدرضا، نجفی، مهنام. (۱۳۸۹). مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیتها و ظرفیتهای احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: سمیرا اسنودوق احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکانی، (ترجمه محمدرضا نقصان، کاظم مندگاری و زهیر متکی)، چاپ چهارم، تهران، آرمانشهر.
- ساک‌پور، آنوش. (۱۳۸۶). طراحی و مرمت محیطی منظر فرهنگی چغازنبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. تهران. ایران.
- سامانیان، صمد. حجت، مهدی. محتشم، عادل. (۱۳۹۶). واکاوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی. تاریخ و فرهنگ. ۴۹ (۹۸)، ۳۶-۹.

- شیروانی، مریم، احمدی، حسین و وطن‌دوست، رسول. (۱۳۹۵). بازشناسی ارزش و عوامل تاثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر. *هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*. ۴ (۲۱). ۳۹-۵۰.
- صبحی، عفت؛ مسعود، محمد و مرادی چادگان، داریوش. (۱۳۹۸). تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان، معماری و شهرسازی، سال ۲۹ (۸۵)، ۹۵-۱۱۶.
- طالبیان، محمدحسن. (۱۳۸۴). نقش مفهوم اصالت در حفاظت محوطه‌های میراث جهانی دوراوتاش برای حفاظت مبتنی بر اصالت. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تهران. تهران. ایران.
- علی‌الحسابی، مهران؛ رضازاده، راضیه و چریگو، نصیبه. (۱۳۹۶). ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن، *باغ نظر*، سال ۱۴ (۵۲)، ۱۷-۲۶.
- فلاح، محمدصادق؛ کمالی، لیلا و رشیدی، صمد. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری، *باغ نظر*، سال ۱۴ (۴۶)، ۱۵-۲۲.
- گریشمن، رومن. (۱۹۵۴). چغازنبیل. (ترجمه: اصغر کریمی). (۱۳۷۳). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لطفی، سهند. (۱۳۸۶). پژوهشی درباره دگردیسی و پایایی در مرمت شهری، تهران: هنرهای زیبا، (۳۱). ۱۵-۲۶.
- مظفر، فرهنگ؛ ندیمی، هادی و صالحی، ابوذر. (۱۳۹۶). هستی‌شناسی مکان تاریخی، *پژوهش‌های معماری/اسلامی*، سال ۵ (۱۵).
- مفیدی نصرآبادی، بهزاد. (۱۳۷۸). حفاری‌های چغازنبیل، پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت تپه: گزارش عملیات حفاری بین‌المللی. ملکشاهی، حسن. (۱۳۷۶). حرکت و استیفای اقسام آن، چاپ سوم، تهران: سروش.
- نگهبان، عرت‌الله. (۱۳۷۲). حفاری هفت تپه دشت خوزستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی
- هادیان دهکردی، منیژه. (۱۳۹۵). نقش آنالیزهای فیزیکی و شیمیایی مالت در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی؛ مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، آلمان.
- یوکهیاتو، یوکا. (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری. (ترجمه: محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری). تهران: روزنه.
- Afkhami, Behrouz. (2019). Phenomenology of Choghazanbil Zigurat. *Journal of Ancient History and Archaeology*. No. 6.1.
- Azizkhani, Mehdi (2017). "Between the Past and the Future: Philip Johnson's Design Thinking and Practice at GAI", *International Journal of Islamic Architecture*. Isfahan, Iran. Volume 6 Number 1
- Baper, Y. Salahaddin (2018). "The role of heritage buildings in constructing the continuity of architectural identity in Erbil city". *International Transaction Journal of Engineering, Management, & Applied Sciences & Technologies*. 9(1), 1-12
- ICOMOS. (1999-2002). The Australia ICOMOS Charter for Places of cultural significance. <https://www.icomos.org/charters>.
- ICOMOS Charter (1994), the Nara Conference on Authenticity in Relation to the World Heritage Convention. <http://icomos.org/index.php/en/charters-and-texts>. (Accessed: May 2010).
- Relph, E. (1976), *Place and Placelessness*, Pion Limited, London.